

تعقیب متجاوز و استمرار جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

در پرتو حق دفاع مشروع: بررسی دیدگاه ایرانی

غلامعلی قاسمی، محمد صالح تسخیری، حسن شیروانی فیل‌آبادی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

چکیده:

جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران یکی از طولانی‌ترین، مرگبارترین و گران‌ترین مخاصمات مسلحانه در قرن بیستم محسوب می‌گردد. رژیم بعثی عراق در سال ۱۳۵۹ و اندک زمانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را مورد تجاوز نظامی قرار داد. در روزهای اولیه جنگ بخش‌های زیادی از خاک ایران را به اشغال درآمد و این جنگ ۸ سال به طول انجامید. در سال ۱۳۶۱ ایران توانست ضمن آزادسازی خرمشهر، بخش‌هایی از خاک عراق را نیز تصرف کند. تعقیب متجاوز و استمرار جنگ پس از فتح خرمشهر و تصرف فاو از سوی ایران، سبب طرح ابهامی گشته که تاکنون در اثر پژوهشی حقوقی فارغ از مباحث سیاسی و نظامی، مورد تتبع قرار نگرفته است. اثر حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که علت استمرار جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران پس از فتح خرمشهر چه بود و اینکه از نظر حقوقی ایران می‌توانست با توسل به دفاع مشروع به خاک کشور متجاوز وارد و بخش‌هایی از آن را تصرف نماید. برای رسیدن به این هدف از روش کتابخانه‌ای بر پایه منابع آسنادی با رویکرد توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان دهنده این است که طبق مقتضیات نظریه دفاع مشروع و با حصول شرایطی بر اساس عرف و رویه بین‌الملل، اقدام ایران مشروع بوده است. **واژگان اصلی:** جنگ رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، توسل به زور، حق دفاع مشروع، تناسب، ضرورت.

۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران

۲. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

۳. دانشجوی دکتری گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

تضاد، اختلاف، ناسازگاری، منازعه و جنگ میان انسان‌ها از ابتدای خلقت انسان و در طول اعصار مختلف تاریخی، مرسوم و متداول بوده است (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۵). در ابتدا این اختلافات و درگیری‌ها به بهانه «جنگ عادلانه» برپا می‌شد ولی به مرور مفهوم حقوقی بین‌المللی از جنگ تغییر کرده و خودش را در ممنوعیت جنگ تهاجمی و تغییر از ایده «جنگ عادلانه» به مفهوم «جنگ مسلحانه» نشان داد (Sayapin & Tsyblenko, 2018: 194). پس از سقوط سلطنت ایران و در حالی که فرآیندهای تحکیم انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی در حال انجام بود، شرایط برای آغاز جنگ علیه ایران فراهم گردید (Samuel, 2021: 68). رژیم بعث عراق به این جمع‌بندی رسید که در این فرصت تاریخی می‌تواند سه هدف اصلی «تلاش برای کسب رهبری جهان عرب»، «پرکردن خلاء قدرت ناشی از سقوط شاه» و «جبران تحقیر ناشی از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵» را به دست آورد (مرادپیری و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۹).

روابط ایران و عراق از سال ۱۳۴۸ تا پیش از جنگ نیز به شدت تیره و تار بود و پیش از انقلاب ایران، ۱۰۴ مورد درگیری و جنگ بین ایران و عراق اتفاق افتاد (رمضانزاده و پاسبان، ۱۴۰۰: ۸۷). قبل از شروع جنگ، راهبرد امنیت ملی رژیم بعث عراق بر اصول «اولویت دادن به قدرت نظامی»، «پیشدستی» و «تهاجم نظامی» بنا شده بود. در این راهبرد، «برپایی جنگ» از مهم‌ترین ابزارها و سازوکارهای تأمین امنیت ملی به شمار می‌رفت (علایی، ۱۴۰۱: ۱۹۲). بنابراین بهترین بهانه برای جنگ، تمرکز بر روی اختلاف قدیمی بر سر وضعیت اروندرود بود. این اختلاف قدیمی منجر به انعقاد معاهده ۱۹۷۵ «الجزایر» شده بود که بر اساس آن دو کشور توافقاتی در خصوص خطوط مرزی در اروندرود داشتند. صدام‌حسین پس از روی کار آمدن بارها قرارداد الجزایر را غیرمنصفانه دانسته و تهدید به پاره‌کردن آن کرده بود. در نهایت ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ معاهده الجزایر را باطل اعلام کرد و بیان داشت که وضعیت حقوقی شط‌العرب باید به توافق‌های دوره عثمانی برگردد و عراق اجازه استفاده انحصاری از آن را دارد (Razoux, 2015: 13). بدین‌سان روابط دو کشور به حد نقطه جوش رسیده بود و در سراسر مرز طولانی مشترک، درگیری‌های مرزی تقریباً به صورت روزانه اتفاق می‌افتاد (Murray & Woods, 2014: 125). سرانجام جنگ در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) آغاز گردید. در خلال این مرحله عراق توانست در زمان کوتاهی بر پهنه‌ای به طول ۸۰۰ کیلومتر و عرض ۲۰ الی ۶۰ کیلومتر

از خاک ایران غالب گردد. سال ۱۳۶۱ یکی از پرحادثه‌ترین سال‌های جنگ هشت ساله رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران و در واقع سالی سرنوشت ساز بود، چرا که با عملیات بیت‌المقدس، ایران توانست شکست سختی به رژیم بعث عراق وارد و خرمشهر را در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ آزاد کند که از آن به عنوان دستاورد مهمی در جنگ یاد می‌کنند (حضرتی و قیصریان‌فرد، ۱۳۹۹: ۱۱۶). با آزادسازی خرمشهر، توازن نظامی به نفع ایران تغییر کرد و ایران با کسب تفوق نظامی در تلاش برآمد تا با تقییب متجاوز و تصرف مناطقی از خاک عراق و تهدید قسمت‌های مهم آن (مانند بصره) این کشور را به پذیرش خواسته‌های خود وادار کند و بتواند به عنوان پیروز جنگ، به آن پایان دهد (Cook & Roshandel, 2009: 27). ایران کلیه اقدامات نظامی خود در پیشروی نظامی در خاک عراق را با استناد به اصل ۵۱ منشور ملل متحد و در چارچوب اصل دفاع مشروع می‌دانست.

جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، همچنان مهمترین حادثه دوران جمهوری اسلامی و بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران است. چنانچه در فرهنگ عمومی کشور به «دفاع مقدس» شناخته می‌شود و دارای اهمیت فوق‌العاده می‌باشد و هرگونه تحقیق و مطالعه در خصوص ابعاد آن مهم و پراهمیت است. از سوی دیگر، در خصوص استمرار جنگ سوآلات و شبهات فراوانی در افکار عمومی جامعه مطرح است و به دلیل فقدان کارهای متقن حقوقی، این بخش از تاریخ جنگ و کشور در معرض تحریف است و این نقیصه باری بر دوش پژوهشگران حقوق بین‌الملل می‌باشد که می‌بایست به صورت علمی به ابهامات و شبهات پاسخ دهند. بعلاوه این مطالعه می‌تواند در ارتقای توانمندی محققین و سیاستگذاران دستگاه دیپلماسی کشور برای درک معیارهایی که باید در ارزیابی اقدامات و تصمیمات خود در قبال پرونده جنگ رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران و همچنین شناسایی ظرفیت‌های عملی موجود به خصوص در مورد قضیه دریافت غرامات جنگی از عراق و ادعاهای متقابل این کشور داشته باشد.

۱. توسل به زور^۱

در نظام بین‌الملل، قبل از شکل‌گیری جامعه ملل، اصل «خودیاری» در ارتباط میان دولت‌ها مرسوم بوده و دولت‌ها، به خصوص دولت‌های قدرتمند، در موارد مختلف به جنگ و یا کاربرد

¹ The Use of Force

زور علیه دولت دیگری می‌پرداختند (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۰۰). با تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، حق کشورها در توسل به زور به شدت محدود شد و این امر از همان ابتدا مورد تأکید رویه قضایی نیز قرار گرفت (ICJ Report, 1949: 3, at 35). منشور ملل متحد استفاده از زور در روابط بین‌الملل را منع می‌کند مگر در مواردی که شورای امنیت مجاز به استفاده از زور برای حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی باشد. همچنین جایی که کشوری از حق ذاتی خود برای دفاع فردی یا جمعی که توسط ماده ۵۱ منشور به رسمیت شناخته شده است، استفاده می‌کند (Gazzini & Tsagourias, 2012: 14). توسل به زور (جز در موارد استثنایی یاد شده) در منشور ملل متحد به عنوان «عمل تجاوز» در کنار تهدید، نقض صلح و امنیت بین‌المللی از عوامل مرتبط با صلح و امنیت جهانی شناخته شده (ماده ۳۹) و رسیدگی به آن، از جمله مأموریت‌ها و کارویژه‌های ذاتی و اصلی شورای امنیت محسوب می‌گردد (صلاحی، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

۲. دفاع مشروع^۲

آثار تاریخی گواه است که از دوران باستان جنگ‌ها به دو دسته مشروع و نامشروع تقسیم می‌شده و دفاع از مصادیق جنگ‌های مشروع به حساب می‌آمده است. دفاع در ادیان الهی از جمله یهود، مسیحیت و اسلام نیز به رسمیت شناخته شده است (برجی، ۱۳۸۴: ۴). قانونگذار در جامعه نهادین و سازمان‌یافته داخلی در شرایط خاص به افراد اجازه داده است در صورت عدم دسترسی به قوای انتظامی و در مواقع لزوم، برای دفع تجاوز از خود یا دیگران به این حق متوسل گردند. وجود این حق بدین علت در جامعه بین‌المللی ضروری‌تر جلوه می‌کند که جامعه بین‌المللی غیرنهادین و فاقد قدرت برتر از حاکمیت دولت‌هاست و در نتیجه در مقایسه با نظام‌های داخلی، نظام بین‌المللی از ضمانت اجرای کافی و مؤثری برخوردار نیست (زمانی، ۱۳۷۴: ۷۰). دفاع مشروع، ریشه عقلانی و فطری دارد؛ به این معنی که اگر به دلالت عقل برای انسان یقین حاصل شد که در شرایط نابودی قرار خواهد گرفت، درنگ و تأمل جایز نیست (رمضانی کریمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰). دفاع مشروع را همچنین ناشی از حق حاکمیت دولت می‌دانند، بنابراین منشأ دفاع مشروع، حاکمیت دولت است (Alder, 2011: 115). تا پیش از شکل‌گیری سازمان ملل،

¹ Act of Aggression

² Self Defence

هر دولتی خود را برای قضاوت در خصوص توسل به دفاع مشروع صالح می‌دانست و بر اساس حقوق بین‌المللی معمول رفتار می‌کرد. طی این سال‌ها استناد به دفاع مشروع بر اساس «فرمول ویستر» انجام می‌گرفت (Arend, 2003: 90).

دفاع مشروع هم بر اساس حق ذاتی دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل عرفی مورد شناسایی قرار گرفته است و هم به عنوان یک استثناء برای ممنوعیت استفاده از زور که در بند ۴ ماده ۲ منشور وضع شده است (نامدار و قاسمی، ۱۳۹۷: ۲۰۱). دفاع مشروع از مهم‌ترین جنبه‌های «حقوق بر جنگ»^۱ و یکی از تنها دو استثناء پذیرفته شده جهانی در منع قانونی استفاده از نیروی نظامی و همچنین تنها مبنای غیرقابل‌انکاری است که بر اساس آن یک دولت ممکن است به طور یکجانبه به زور متوسل شود (Green, 2009: 2). حقوق‌دانان متفق‌القول‌اند که ماده ۵۱ منشور معتبرترین اعلام حق دفاع مشروع دولت‌ها است (شریفی طرازکوهی و بارین چهاربخش، ۱۳۹۲: ۲۱). این اصل و شرایط اعمال آن از سال ۱۹۴۵ تاکنون توسط رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری بارها مورد تأیید قرار گرفته است. گفتنی است ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌المللی چنان است که کمتر موردی پیدا می‌شود که یک کشور، توسل به زور علیه سایر کشورها را بدون استناد به دفاع مشروع و استناد به ماده ۵۱ منشور توجیه کرده باشد (Westra, 2007: 19). تاریخ جنگ‌ها نشان می‌دهد که ادعای دفاع مشروع شاید شایع‌ترین توجیهی باشد که برای استفاده از زور مورد استفاده قرار گرفته است (Higgins, 1961: 269).

شرایط دفاع مشروع

۳-۱. وقوع حمله مسلحانه^۳

در حقوق بین‌الملل بر اساس حق دفاع مشروع، کشورها می‌توانند از خود در مقابل حمله مسلحانه با واکنش نظامی، به فوریت متوسل به زور شده و از خود دفاع نمایند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۴۹۳). حق دفاع مشروع پیش از تکوین منشور به عنوان حق قطعی دولت‌ها پذیرفته شده بود و منشور در این خصوص نوع‌آوری صورت نداده بلکه به تدوین قاعده‌ای عرفی پرداخته است (محمدعلیپور و ممتاز، ۱۳۸۱: ۲۱۳). با وجود این، اثر مهم منشور بر این قاعده، افزودن شرط

¹ Webster Formula

² Jus ad Bellum

³ Occurrence of Military Attack

وقوع حمله مسلحانه است (شریفی طرازکوهی و مهرانی، ۱۳۹۱: ۶۶). برای اهداف ماده ۵۱ منشور، حمله مسلحانه نه تنها حمله علیه قلمرو دولت، فضای هوایی و دریای سرزمینی آن، بلکه حملات مستقیم علیه تجلیات دولت، مانند نیروهای مسلح یا سفارتخانه‌های آن در خارج از کشور، نیز محسوب می‌گردد (Wilmshurst, 2006: 965). چنانچه دیوان در پرونده نیکاراگوئه به این امر اکتفا نکرد که حمله مسلحانه صرفاً شامل کنش نیروهای مسلح مهاجم باشد، بلکه طیف گسترده‌ای از اعمال ذیل ماده ۳ قطعنامه تعریف تجاوز مجمع عمومی ۱۹۷۵ را نیز شامل حمله مسلحانه دانست (Gardam, 2004: 143). با این وجود نمی‌توان هر اقدامی را حمله مسلحانه قلمداد نمود، در این خصوص دیوان معیارهای «میزان و تأثیر حمله»، «آستانه شدت»، «انباشت وقایع»^۱، «سطح درگیری دولت در حمله»^۲ را برای تعیین مصادیق حمله مسلحانه در نظر گرفته است که استانداردهای متغیر و غیرعینی هستند و می‌بایست در هر مورد بنا بر واقعیت‌های موجود و به صورت جداگانه مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گیرند (Green, Op cit: 41-45).

دیوان در رویه خود، بر مبنای حقوق معاهده‌ای و عرفی، در رأی سکوه‌های نفتی به تقویت شرط «حمله مسلحانه» پرداخت و تلاش کرد تفسیر مضیقی از مفهوم حمله مسلحانه ارائه دهد، به گونه‌ای که موارد توسل به زور با شدت کمتر و در مقیاس کوچک‌تر، حمله مسلحانه محسوب نشوند. همچنین ضرورت وجود عنصر روانی قصد حمله مسلحانه را جهت وقوع حمله مسلحانه برای اولین بار مطرح نمود (قاسمی و بارین چهاربخش ب، ۱۳۹۰: ۱۹۲). محاکمات نورنبرگ نیز اهمیت اثبات حق توسل به دفاع مشروع در قبال تجاوز و حمله مسلحانه را به خوبی نشان داده است (محمدعلیپور و ممتاز، پیشین: ۲۱۲). دیوان در نظریه مشورتی دیوار حائل بیان داشت که ماده ۵۱ منشور صرفاً وجود حق ذاتی دفاع مشروع را در قبال حملات مسلحانه یک کشور علیه کشور دیگر مورد شناسایی قرار می‌دهد (ICJ Reports, 2004: 139). از آنجایی که دفاع مشروع بر پیش‌فرض وقوع تجاوز نظامی مبتنی است و نتیجه منطقی آن می‌باشد، از این رو ضروری است که ابتدا تجاوز اثبات شده باشد و اساساً دیوان قبل از اعمال اصول ضرورت و تناسب در خصوص وجود حمله نظامی تحقیق خواهد کرد (ICJ Reports, 2005: 146). خاطر نشان می‌گردد

¹ Scale and Effects of Attack

² Gravity Threshold

³ Accumulation of Events

⁴ The Level of State Involvement in an Attack

برخی نیز معتقد هستند که ماده ۵۱ قابلیت تفسیر موسع دارد و حتی می‌توان از دفاع مشروع در پاسخ به یک تهدید مسلحانه قریب‌الوقوع برای امنیت، حاکمیت و استقلال سیاسی به جای حمله نظامی واقعی نیز استفاده نمود (Shah, 2007: 98-99) درحالی که امروزه دفاع مشروع پیشدستانه به کلی در حقوق بین‌الملل مورد تردید قرار گرفته است و ایران نیز در پرونده شکایت خود علیه هدف قراردادن هواپیمای مسافربری‌اش توسط آمریکا در پاسخ به ادعای دفاع پیشگیرانه آمریکا اذعان داشت که ماده ۵۱ منشور دفاع مشروع پیشدستانه را مجاز نمی‌داند و بسیاری از کشورها نیز از این دیدگاه استقبال نمودند (Gray, 2008: 162).

در طول جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، هیچگاه عراق به عنوان متجاوز شناخته نشد و شورای امنیت نیز به عنوان مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از این کار سرباز زد و شناسایی متجاوز را به دبیرکل سازمان ملل متحد واگذار نمود. دبیرکل وقت نیز بدون تشکیل کمیسیون اقدام به انتشار گزارش نمود و در آن رسماً عراق را به عنوان شروع کننده جنگ و متجاوز شناسایی نمود. اعلام نظر بی‌سابقه دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده سکوه‌های نفتی در سال ۲۰۰۳ نیز یکی از موفقیت‌های حاصل شده در انتساب مسئولیت جنگ تحمیلی به عراق می‌باشد (ساعد، ۱۳۸۳: ۴۹). در این خصوص بند ۲۳ رأی دیوان و نظریه مستقل دو قاضی (اودا^۱ و کویجمانس^۲) و نظریه قاضی سیمائابل توجه هستند و به ویژه دو مورد نخست، به صراحت، مسئولیت جنگ را به عراق منتسب کرده و آن دولت را متجاوز علیه ایران شناخته‌اند (پیشین: ۵۳). فلذا می‌توان اولین شرط دفاع مشروع یعنی تجاوز نظامی و وقوع حمله نظامی در خصوص مخاصمه ایران و عراق را متصور دانست چرا که امری است که با حقایق عینی مورد اثبات است.

۲-۳. ضرورت^۵

ضرورت به عنوان یک تأسیس حقوقی، یکی از عوامل رافع مسئولیت بین‌المللی در زمان نقض تعهدات بین‌المللی معرفی شده است. در حقوق بین‌الملل دولت‌ها می‌توانند با استناد به ضرورت از

¹ Aerial Incident Case

² Owada

³ Kooijmans

⁴ Simma

⁵ Necessity

اجرای یک قاعده حقوقی لازم‌الاجرا سرباز زند بدون آنکه تبعات ناشی از این عمل متخلفانه موجبات طرح مسئولیت بین‌المللی آنها را فراهم سازد (Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001: Art 25). در این حالت ضرورت به عنوان یک نهاد حقوقی مستقل شناخته می‌شود. اما ضرورت می‌تواند همچنین به عنوان یکی از عناصر و شرایط حق دفاع مشروع عمل کند. تعریف دقیقی که حدود ضرورت را نشان دهد در حقوق عرفی وجود ندارد؛ لذا دولت‌ها طیف وسیعی از اعمال حتی اقدامات تجاوزکارانه خود را تحت عنوان دفاع مشروع توجیه کرده‌اند (محمد علیپور و ممتاز، پیشین: ۲۱۱). دیوان بین‌المللی دادگستری اصل ضرورت را به عنوان یک قاعده عرفی بین‌المللی تأیید کرده است (ICJ Reports, 1996: 41). در رأی نیکاراگوئه بحث عرفی بودن ضرورت و کامل نبودن ماده ۵۱ به صراحت ذکر شده است (موسوی و حاتمی، ۱۳۸۵: ۳۲۰). به طور کلی فارغ از عدم اشاره به معیار ضرورت در ماده ۵۱ منشور، رویه قضایی و عرف بین‌المللی این معیار را تأیید نموده است هر چند که در کم و کیف این معیار و اینکه ضرورت به چه معناست و در چه مواردی ضرورت حکم می‌کند که دفاع مشروع، قانونی تلقی گردد، اختلاف نظر وجود دارد. فلذا گفته شده است که احراز ضرورت بستگی به حقایق هر مورد خاص دارد (شریفی طرازکوهی و بارین چهاربخش، پیشین: ۲۱). با این وجود، وجوب رعایت حد متیقن معیار ضرورت برای دفاع مشروع ضروری است و آن اینکه تنها زمانی می‌تواند مورد استفاده قرارگیرد که پایان دادن به حمله ضروری باشد. بنابراین، همه وسایل صلح‌آمیز برای پایان دادن یا جلوگیری از حمله باید تمام شده باشد یا در دسترس نباشد، به این ترتیب، هیچ جایگزین عملی غیرنظامی برای آن نباید وجود داشته باشد (Wilmshurst, Op cit: 967).

همان‌گونه که بیان گردید، معیار ضرورت برای دفاع مشروع شرط اساسی است. نیروی سخت در دفاع مشروع تنها زمانی می‌تواند مورد استفاده قرارگیرد که برای پایان دادن یا جلوگیری از حمله ضروری باشد. بنابراین، همه وسایل و راه‌های صلح‌آمیز و معقول برای پایان دادن یا جلوگیری از حمله باید تمام شده یا غیرقابل دسترس باشد. به این ترتیب، هیچ جایگزین عملی غیرنظامی برای آن نباید وجود داشته باشد. مانند زمانی که فشارهای سیاسی کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا و همچنین حمایت کشورهای حوزه خلیج فارس از رژیم بعث عراق شرایط نامناسبی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده بود از طرفی نبود حامی برای ایران، فشارهای بین‌المللی و

تحریم‌های مختلف باعث شد تا جمهوری اسلامی در تنگنای شدید قرار بگیرد (نوریان و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۳۲). ایران از ابتدا در پی استفاده از کلیه ظرفیت‌های سیاسی و قانونی از جمله توسل به سازمان ملل متحد و همچنین شورای امنیت برای توقف تجاوز برآمد. اولین قطعنامه شورای امنیت شش روز پس از آغاز جنگ صادر گردید. نیروهای عراقی در مدت شش روز پیشروی در خاک ایران، شهرها و روستاهای زیادی را ویران کردند و خسارت‌های زیادی به بار آوردند. شورای امنیت موظف بود اقدام فوری و موثر برای پایان جنگ انجام دهد. عراق در مدت آن شش روز تا تصویب قطعنامه اول بین ۹۰ تا ۱۱۰ کیلومتر در خاک ایران تجاوزکارانه پیشروی کرده بود (پارسادوست، ۱۳۸۷: ۳۱). شورای امنیت سازمان ملل متحد در مجموع ۸ قطعنامه در خصوص جنگ ایران و عراق صادر نمود که همگی به جز قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران رد شد (کیخان‌راد و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۱). یعنی به طور میانگین برای هر سال یک قطعنامه صادر ولی در مورد جنگ هفت ماهه خلیج فارس، ۱۲ قطعنامه یعنی به طور میانگین هر ماه ۲ قطعنامه صادر نمود (شیرودی، ۱۳۸۳: ۶۹) و این نشان از برخورد دوگانه شورای امنیت و عدم جدیت برای جلوگیری و توقف تجاوز رژیم بعث عراق داشت فلذا ایران ضرورت دفاع مشروع و حمله مسلحانه را احراز نمود چرا که تأخیر بیشتر منجر به ناتوانی و ایجاد شرایط اضطراری غیرقابل برگشت می‌شد، چنانچه به تأیید دیوان در پرونده سلاح‌های هسته‌ای؛ نمی‌توان حق اساسی دولتی را برای بقاء، زمانی که بقای آن در خطر است و همچنین رویه‌ای که از آن به عنوان «سیاست بازدارنگی» یاد می‌شود، نادیده بگیرد (ICJ Reports, 1996: 96).

۳-۳. تناسب^۲

یکی از مهمترین شروط اجرای دفاع مشروع این است که اقدام دفاعی باید متناسب با حمله نظامی باشد که سبب اجرای حق دفاع مشروع شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در مواردی صریحاً اهمیت وجود تناسب را در اقدام نظامی جهت اجرای حق دفاع مشروع اعلام نموده است (ICJ Reports, 1986: 176). دیوان تصریح کرده توسل به زوری که به موجب قواعد مربوط به دفاع مشروع اعمال می‌شود، باید متناسب و قانونی باشد (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). به طور کلی، دو گروه از مفسران در مورد معادله تناسب شکل گرفته است. یک گروه از سنجش بر

¹ Policy of Deterrence

² Proportionality

اساس «معادل بودن» میزان حمله و پاسخ حمایت می‌کنند و گروه دیگر بر سنجش تناسب با توجه به «توقف حمله» (یا تهدید قریب‌الوقوع آن)، تکیه می‌کنند. گروه دیگری نیز البته وجود دارد که معتقد است با توجه به عملکرد دولت‌ها از ۱۹۴۵، ترکیبی از این دو رویکرد دقیق‌ترین معیار سنجش تناسب می‌باشد (Etezazian, 2016: 264).

دسته‌ای از مفسران که معتقد هستند نیروی مورد استفاده کشور مورد تجاوز باید معادل با میزان نیروی مورد استفاده مهاجم باشد، بر برابری دفاع با حمله در همه شئون تأکید می‌کنند و بیان می‌دارند از آنجایی که هدف دفاع مشروع دفع تجاوز و بیرون راندن دشمن به پشت مرزهای بین‌المللی است، در صورتی که ابعاد تجاوز بسیار وسیع و توان متجاوز برای تداوم تجاوز بسیار زیاد باشد دفع تجاوز متضمن نابود کردن مرکز فرماندهی یا هسته مرکزی آن خواهد بود. چنانچه در جریان جنگ جهانی دوم، قوای متفقین برای دفع تجاوزات آلمان، خاک این کشور را اشغال کردند و نظام حکومتی جدیدی در آن مستقر ساختند. همچنین نیروهای متحد برای دفع تجاوز عراق به کویت، پیشروی خود را تا داخل خاک عراق ادامه دادند. شورای امنیت با ایجاد مکانیسم‌های دقیق به خلع سلاح عراق پرداخت (قطعنامه ۶۹۹) و بر اعمال تحریم تسلیحات متعارف برای عراق نظارت کرد (قطعنامه ۷۰۰) و حتی با تخلفات عراق با قاطعیت برخورد کرد و در نهایت در قطعنامه ۷۱۵ نظارت دائم بر خلع سلاح عراق را تصویب نمود (محمد علیپور و ممتاز، پیشین: ۲۲۳). بنابراین بر اساس این دیدگاه در برآورده شدن تناسب، حتی می‌توان در قالب دفاع مشروع به کشور متجاوز حمله کرد چنانچه برخی از نظریه‌پردازان با مطرح کردن «نظریه ماشه» معتقد هستند که دولت قربانی تجاوز به منظور بازدارندگی از تکرار حمله در آینده می‌تواند ظرفیت‌های نظامی متجاوز را نابود کند (Mellow, 2007: 434). رویس معتقد است که این نگرش به دولت قربانی اجازه می‌دهد حتی شکست مهاجم یا برکناری دولت آن را به عنوان نوعی دفاع مشروع توجیه کند (Ruys, 2010: 117). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در موارد مربوطه که به آن ارائه شده است، بر معادل‌سازی مقیاس بین حمله و ضد حمله تمرکز نکرده است. اما

¹ Equivalence-based

² Cessation-related

³ Combination of Cessation-related and Equivalence-based

⁴ Trigger Theory

قاضی شوبل در نظریه جداگانه خود در پرونده نیکاراگوئه بیان می‌کند؛ اشتباه است اگر فکر کنیم که باید تناسبی بین حمله مسلحانه و اقدام متقابل وجود داشته باشد. توقف و دفع حمله ممکن است ابعاد نامتناسب به خود بگیرد (Green, Op cit: 93).

در مقابل، دیدگاه «توقف حمله» معتقد است که هدف اصلی در دفاع مشروع تنها بازدارندگی است و می‌بایست تا زمان عقب راندن کشور متجاوز ادامه داشته باشد و نمی‌توان پس از عقب راندن دشمن به مرزهای خودش، وارد خاک آن شد. با این حال برای تصمیم‌گیری در موارد خاص که آیا پاسخ متناسب با آنچه برای دفع نیروی اولیه مورد نیاز است، دیوان بین‌المللی دادگستری «میزان پاسخ» و «ماهیت و کمیت خسارت» وارد شده را در نظر گرفته است. به عنوان مثال، در پرونده نیکاراگوئه، دیوان، ادعای ایالات متحده مبنی بر اقدام خود در دفاع مشروع از السالوادور علیه نیکاراگوئه را به دلیل اقدامات نامتناسب آن، مانند ده حمله به تأسیسات نفتی و مین‌گذاری در بنادر نیکاراگوئه، رد کرد (ICJ Reports, 1986: 48-51).

نتیجتاً اینکه با در نظر گرفتن اهداف منشور و توجه به این نکته که توسل به زور در نظام بین‌الملل یک امر استثنایی محسوب می‌گردد باید معتقد به دیدگاه «توقف حمله» بود فلذا برای رسیدن به فرمول مشخص جهت ارزیابی تناسب در دفاع مشروع باید معیارهایی را در نظر گرفت و با تطبیق این معیارها با وقایع، حدودی بر دفاع مشروع و این دیدگاه تعیین نمود. در ادامه به معیارهای اصلی و فرعی که با توجه به رویه و عرف بین‌المللی، همچنین رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری برای تعیین حدود تناسب در دفاع مشروع ذکر شده است، پرداخته خواهد شد.

۳-۳-۱. معیار توقف حمله^۲

«توقف حمله» مسلحانه تنها معیار اصلی برای استفاده از دفاع مشروع متناسب می‌باشد. اکثر مفسران حقوقی بر هدف توقف حمله به عنوان یک معیار اولیه برای ارزیابی تناسب تأکید می‌کنند. به عنوان مثال، آنتونیوکاسسه استدلال می‌کند اقدامی که با دفاع مشروع توجیه می‌شود باید برای آن هدف متناسب باشد (Cassese, 2005: 355). با توجه به این نکته، حق دولت قربانی برای دفاع مشروع به محض رسیدن به هدف مورد نظر آن (یعنی توقف حمله) از بین خواهد رفت. نیروی مورد استفاده در عملیات دفاع مشروع برای محاسبه تناسب را باید «به طور کلی» در نظر گرفت.

¹ Schwebel

² The Criterion of Cessation-relate

چنانچه در پرونده سکوهای نفتی، دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرد که در ارزیابی تناسب، نمی‌تواند چشم خود را بر مقیاس کل عملیات ببندد (Wilmshurst, Op cit: 969). در واقع معیار تناسب دارای ویژگی‌های کمی و عملکردی است. نیروی مورد استفاده باید در برابر هدف توقف و دفع حمله‌ای مورد ارزیابی قرار گیرد، که باعث ایجاد حق دفاع مشروع شده است (Okimoto, 2011: 60).

ایران از لحظه‌ای که مورد هجوم عراق قرار گرفت تمایلی به گسترش دامنه جنگ و طولانی کردن آن نداشت به این دلیل که اولاً با وقوع انقلاب در کشور عملاً شاکله ارتش و نهادهای داخلی به هم ریخته شده بود و دوماً ایران توانایی جنگیدن طولانی مدت را به دلیل فرسایشی بودن نداشت بنابراین تصمیم به اعمال فشار به رژیم بعث عراق آورد. پیروزی در عملیات تصرف فاو امکان چانه‌زنی سیاسی با دست برتر را برای ایران فراهم می‌ساخت فلذا نگرش سیاسی جدیدی شکل گرفت که معتقد بود می‌توان با تصرف فاو دورنمایی از پایان جنگ را ترسیم نمود (مختاری، ۱۳۸۱: ۱۳۲). در بخش بعدی معیارهای فرعی برای سنجش تناسب در قانون حاکم بر حق دفاع مشروع مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این معیارها را می‌توان محدوده جغرافیایی، محدوده زمانی، تأثیرات آن بر غیرنظامیان و انتخاب اهداف برشمرد.

۳-۳-۲. معیار محدوده جغرافیایی^۱

نحوه واکنش تعدادی از دولت‌ها به ادعاهای مربوط به دفاع مشروع در دوران تأسیس سازمان ملل متحد، گواهی بر پابندی آنها به معیار جغرافیایی است که توسط اصل تناسب تعیین شده است. در واقع تحت سیستم منشور، این دیدگاه پذیرفته شده است که تناسب مستلزم آن است که اقدامات قهرآمیزی که تحت عنوان دفاع مشروع انجام می‌شود باید محدود به منطقه‌ای باشد که حمله از آنجا طراحی و اجرا شده است (O'Connell, 1975: 65). به عنوان مثال، ایالات متحده در رابطه با حادثه «خلیج تونکین» در سال ۱۹۶۴، از آنجایی که به دنبال استناد به دفاع مشروع بود، مدعی شد که حملات به ویتنام شمالی، متناسب با حملات قبلی ویتنامی‌ها به نیروی دریایی آنها و در منطقه‌ای واقع شد که حملات اولیه از آنجا ناشی شده بود. به همین ترتیب، انگلستان در حالی که از حق دفاع مشروع در پاسخ به اشغال جزایر فالکلند توسط نیروهای آرژانتینی استفاده می‌کرد، با ناو جنگی آرژانتین در منطقه‌ای از اقیانوس آرام که بسیار دورتر از منطقه حمله اصلی یعنی جزایر

^۱ The Geographical Scope Criterion

فالکلند بود، دلیل درگیر نشدن (Greenwood, 1989: 274). به نظر می‌رسد که دیوان بین‌المللی دادگستری نیز علاوه بر رویه دولتی و نظریات قضایی مربوطه، متناسب با الزامات تناسب و برای احراز دفاع مشروع، محدودیت‌های جغرافیایی قابل توجهی را بر نیروی پاسخ دهنده تحمیل می‌کند. به عنوان مثال، در پرونده فعالیت‌های مسلحانه، دیوان ادعای دفاع مشروع از سوی اوگاندا علیه حملات برون مرزی گروه‌های مسلح مستقر در جمهوری دموکراتیک کنگو را مورد بررسی قرار داد. دیوان به این نتیجه رسید که تصرف فرودگاه‌ها و شهرها در صدها کیلومتری مرز اوگاندا با مجموعه حملات فرامرزی که ادعا می‌کرد، متناسب نبوده است. این امر می‌تواند تأییدی آشکار بر ضرورت انجام اقدامات دفاع شخصی در مجاورت حمله مسلحانه به منظور برآوردن شرایط تناسب باشد (ICJ Reports, 2005: 223).

ایران برای اجرای عملیات دفاع مشروع خود، منطقه‌ای را در جنوبی‌ترین بخش از عراق انتخاب نمود. این منطقه به دلیل منتهی شدن به خلیج فارس و ایجاد دسترسی عراق به آب‌های آزاد از اهمیت استراتژیکی برخوردار بود (علایی، ۱۳۸۴: ۱۳۵). علاوه بر این محل استقرار پایگاه موشکی عراق نیز بود که به وسیله آن شهرهای ایران به خصوص آبادان را مورد حمله موشکی قرار می‌داد (حاج خداوردی‌خان، ۱۳۹۰: ۹۷). بنابراین محلی که ایران از نظر جغرافیایی برای حمله انتخاب نمود جزو مناطقی محسوب می‌گردید که حملات عراق از آنجا سرچشمه می‌گرفت و در واقع عملیات ایران به نوعی دفع حملات متجاوز صورت گرفت.

۳-۳-۳. معیار محدوده زمانی^۱

یکی دیگر از معیارهای فرعی که جنبه‌ای از الزامات تناسب را تشکیل می‌دهد مربوط به مدت زمان پاسخ قهری است، به این معنی که دفاع مشروع متناسب، ممکن نیست پس از زمان لازم برای مقابله مؤثر با حمله مسلحانه ادامه پیدا کند (Greenwood, Op cit: 275-276). رعایت معیار زمانی تناسب در دفاع مشروع توسط رویه دولت‌ها همراه با رویه قضایی از ۱۹۴۵ مورد تأکید بوده است. این را می‌توان از واکنش بین‌المللی به مداخلات ایالات متحده در جمهوری دومینیکن در ۱۹۵۶ و گرانادا در ۱۹۸۳ مشاهده کرد. در هر دو مورد حملات نیروهای ایالات متحده پس از حمله‌های اولیه به عنوان حملات نامتناسب تلقی شدند. این را اظهارات نمایندگان شورای امنیت از فرانسه (در رابطه با جمهوری دومینیکن) و زیمبابوه (در رابطه با گرانادا) نشان می‌دهد، که دامنه

¹ The Temporal Scope Criterion

زمانی اقدامات ایالات متحده را زیر سؤال برده و اصرار دارند که هرگونه عملیات نجاتی که برای نجات شهروندان انجام می‌شود، مدت آن باید محدود باشد (Yearbook of the United Nations, 1965: 142). همچنین در سال ۲۰۱۱ آمریکا به همراه «نیروهای ائتلاف»^۱ با حمله به مقر نیروهای پاکستانی ۲۷ سرباز را کشتند و ادعا کردند این حملات در دفاع مشروع و با استفاده متناسب از زور بوده است اما پاکستان مدعی بود اقدامات امریکا و نیروهای ائتلاف از نظر حجم تلفات و مدت زمان حمله نامتناسب بوده است (Newton & May, 2014: 7).

بنابراین عدم انطباق دفاع مشروع در محدوده زمانی مشخص را از ویژگی‌های عدم تناسب در دفاع برشمرده‌اند و به این نتیجه می‌رسند که در واقع هدف این اقدامات، مجازات است نه دفاع و این می‌تواند مفهوم دفاع مشروع را به توجیهی برای تلافی تبدیل کند. عملیات نظامی که ایران در فاو طراحی کرد در بهمن ماه ۱۳۶۴ اجرایی شد، یعنی زمانی که جنگ میان دو کشور در جریان بود و حملات رژیم بعث عراق علیه نیروهای ایرانی و همچنین شهرهای ایران تداوم داشت. بنابراین می‌توان ادعان داشت این حمله در محدوده زمانی مشخص در زمان درگیری بوده فلذا شرط معیار محدوده زمانی به عنوان یکی از الزامات تناسب دفاع مشروع برآورده شده است.

۳-۳-۴. معیار انتخاب هدف و تأثیر بر غیرنظامیان^۲

معیار انتخاب هدف، بدین معناست که پایگاه‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌هایی که توسط دولت پاسخ دهنده، هدف قرار می‌گیرند باید اهداف نظامی دولت حمله‌کننده باشند. این امر در دفاع مشروع تحت عنوان «الزامات هدف مشروع» مورد توجه قرار گرفته است (Ruys, Op cit: 108). از سوی دیگر الزامات تناسب در اعمال حق دفاع مشروع، تنظیم انتخاب ابزار و روش‌های جنگ که در استفاده از این حق در دسترس کشورها می‌باشد را در تصمیم‌گیری‌ها برای پیش‌بینی تلفات غیرنظامیان، میزان تخریب نیروهای دشمن و در نهایت خسارت به قلمرو، زیرساخت‌های کشور هدف و محیط زیست آن، می‌طلبد (Gardam, Op cit: 168-169). بنابراین، در رابطه با اهداف و ابزار و روش‌های جنگ، کلیه قواعد «حقوق بین‌الملل بشردوستانه» و «حقوق بر جنگ» باید رعایت گردد. علیرغم وجود سابقه آن به عنوان یکی از جنبه‌های حقوق بین‌الملل عرفی، الزام انتخاب هدف به عنوان یک اصطلاح قانونی توسل به زور برای اولین بار توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده سکوه‌های

¹ International Security Assistance Force (ISAF)

² The Choice of Target and Effect on Civilians Criterion

نفتی در سال ۲۰۰۳ مطرح و تعریف شد. استناد ایالات متحده در این پرونده برای اقدام نظامی علیه سکوها‌های نفتی ایران بر اساس دفاع مشروع و محدودیت‌های مندرج در ماده ۵۱ بود (Etezazian, Op cit: 285). آمریکا ادعا داشت که این سکوها یک هدف نظامی مشروع بوده که در اعمال حق دفاع مشروع می‌توانست مورد حمله قرار گیرد. دیوان بین‌المللی دادگستری در نهایت ادعای ایالات متحده را رد کرد و اذعان داشت سکوها برای دیوان، اهداف مشروعی محسوب نمی‌گردد. بنابراین، حملات علیه آنها نمی‌تواند به عنوان اقدامات قانونی دفاع مشروع توجیه شود (ICJ Reports, 2003: 76).

جمهوری اسلامی ایران نیز در انتخاب منطقه عملیاتی فاو علاوه بر در نظر گرفتن جایگاه استراتژیک منطقه، پراکندگی و فقدان مناطق مسکونی را مد نظر قرار داد. چرا که عموماً این منطقه نمکزار بوده و دارای کمترین سطح پوشش انسانی بود. راهبرد نظامی ایران در این برهه انجام یک عملیات مؤثر و اصرار بر روی اهداف عادلانه بود به همین دلیل صرفاً اهداف نظامی و همچنین تأسیسات نفتی عراق مانند اسکله‌های نفتی البکر و الامیه و آن هم در پاسخ به بمباران سکوها‌های نفتی ایران، مورد حمله قرار گرفت به همین سبب کمترین تلفات از غیرنظامیان را به دنبال داشت.

۴. تحلیل عملکرد ایران در چارچوب نظریه دفاع مشروع

ایران در پی شروع جنگ و سقوط برخی مناطق، اقدام به بازایی و ساماندهی نیروهای نظامی خود نمود و توانست با سلسله عملیات‌هایی خرمشهر را از اشغال آزاد نماید، پس از فتح خرمشهر، مجموعه اهدافی به عنوان اولویت‌های اصلی مدنظر قرار گرفت و در چارچوب این اولویت‌ها، نقشه راه جدیدی ترسیم شد.

۴-۱. بیرون راندن متجاوز از خاک ایران

در حمله رژیم بعث عراق به ایران ۱۰ شهر مهم یعنی خرمشهر، سوسنگرد، بستان، بستان، دهلران، قصرشیرین، هویزه، نفت شهر، سومار و موسیان اشغال شدند (خسروی، ۱۳۸۵: ۸۵). با توجه به اینکه نقاطی از شلمچه، طلائی، مرز فکه تا قصرشیرین و شهرهای سومار، نفت شهر و مهران عملاً در اشغال دشمن بود و امکان آزاد سازی این نقاط از راه مذاکره بعید به نظر می‌رسید، همچنین شهرهای آزاد شده از جمله خرمشهر به دلیل در اشغال بودن شلمچه، همچنان مورد تهدید بودند و با انعقاد آتش‌بس این خطر از آنها مرتفع نمی‌گردید (باقری دولت‌آبادی، رشیدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۹۳)، ایران تلاش داشت با ادامه جنگ این خطر را رفع کند و متجاوز را از خاک خود بیرون براند.

۴-۲. تضمین بازگشت اراضی به وضع قبل از اشغال

صدام به دنبال موفقیت عملیات فتح‌المبین تقاضای آتش بس نمود (روحی، ۱۳۷۶: ۳). با توجه به آنکه حفظ تمامیت ارضی کشورها مهم‌ترین هدف و آرمان هر دولتی است و رژیم بعث عراق هنوز در ۵۰۰۰ کیلومتر از خاک ایران حضور مستقیم داشت. لذا قول و وعده‌های آتش‌بس تا زمانی که خاک یک کشور در اشغال است معنایی ندارد (باقری دولت‌آبادی، رشیدی‌زاده، پیشین: ۸۳)، کما اینکه در صورت آتش‌بس مشخص نبود که خواسته ایران یعنی عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی تحقق یابد. فلذا ایران اعلام داشت تا زمانی که نیروهای عراقی در خاک ایران قرار دارند آتش‌بس یا مذاکره قابل قبول نیست (روحی، پیشین: ۲).

جامعه بین‌المللی هم تحت تأثیر تبلیغات گسترده برای تهدیدنمای انقلاب اسلامی ایران و حکومت جدید و انقلابی (به ویژه پس از قضیه تسخیر سفارت آمریکا در تهران) قادر یا مایل به قبول وضعیت حقیقی یعنی تجاوز رژیم بعث عراق به تمامیت ارضی ایران نبود (ساعد، پیشین: ۶۶). شورای امنیت از درخواست عقب‌نشینی به مرزهای شناخته شده بین‌المللی خودداری ورزید و با تقاضای آتش‌بس در خاک ایران، تجاهر می‌کرد که ایران بر طبق ماده ۵۱ منشور از حق ذاتی دفاع مشروع برخوردار است و هیچ یک از مقررات منشور به این حق خدشه‌ای وارد نمی‌سازد (زمانی، ۱۳۷۶: ۱۷). همچنین شورا در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های خود هیچ‌گونه تصریحی به اعتبار قرارداد ۱۹۷۵ به عنوان مبنای روابط مرزی دو کشور نداشت، در مقابل بدون اهمیت دادن به مسئله بازگشت نیروهای متخاصم به مرزهای بین‌المللی، در قطعنامه‌های مختلف پس از قطعنامه ۴۷۹ از طرفین خواست تا از هرگونه کاربرد بیشتر از زور سریعاً خودداری کنند. به نظر می‌رسد که مقصود این قطعنامه‌ها این بوده آتش‌بس در سرزمین جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد، نیروهای عراقی نیز در خاک ایران بمانند و جمهوری اسلامی ایران از حمله به نیروهای متجاوز به منظور باز پس‌گیری سرزمین خود که در تصرف آنها می‌باشد، خودداری نماید.

۴-۳. کاهش احتمال تجاوز جدید

یکی از مهمترین دغدغه‌های ایران برای پایان دادن به جنگ و آتش‌بس، وجود احتمال تجاوز جدید بود چنانچه تجربه نشان داده بود رژیم بعث عراق با توجه به شیوه جنگ و عدم پایبندی به مقررات بین‌المللی هیچ ابایی از این کار ندارد (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۳۶۴). عدم اعتماد به عراق بی‌دلیل نبود، رخدادهای پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به خوبی روشن ساخت که رژیم بعث

چگونه دست به تسلیح گروهک منافقین برای جبران شکست‌های خود در جنگ و انجام عملیات فروغ جاودان نمود. همچنین از سحرگاه روز جمعه ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و تنها سه روز پس از پاسخ مثبت ایران به قطعنامه ۵۹۸ و در شرایطی که وزیر خارجه ایران در حال مذاکره با دبیرکل سازمان ملل متحد بود نیروهای عراقی از دو محور به خاک ایران تجاوز کردند (ولایتی، ۱۳۶۶: ۲۹۱). عراق به دنبال فرصت برای بازسازی و تجدید قوا بود. ضمن اینکه از لحاظ حقوقی و سیاسی هیچ‌گونه ترک مخاصمه‌ای میان دو کشور برقرار نشده بود و این امر دستاویز مناسبی برای شروع مجدد تجاوزات عراق بود. بنابراین احتمال چنین اقداماتی و همچنین تجاوز جدید پس از فتح خرمشهر بیشتر از زمان پایان جنگ بود.

۴-۴. راهکار ایران

با توجه به اینکه پذیرش آتش‌بس بدون محکومیت متجاوز احتمال ایجاد شرایط نه جنگ و نه صلح و استقرار نیروهای چندملیتی در مرزهای دو کشور را تقویت می‌کرد، به همین سبب و با توجه به موضع جانبدارانه سازمان ملل متحد نسبت به عراق و همچنین عدم ضمانت اجرای بین‌المللی در آن برهه زمانی، جمهوری اسلامی ایران چاره‌ای جز ادامه جنگ و دستیابی به حقوق خود و ایجاد صلح پایدار در منطقه نداشت. تجربه کشورهای منطقه همچون سوریه در بلندی‌های جولان نشان داده است هر زمان دولتی بدون بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغال شده خود پای میز مذاکره و آتش‌بس حاضر شده است این آتش‌بس به بهای از دست رفتن آن سرزمین تمام شده است. علاوه بر این گذر زمان و حمله صدام به کویت نشان داد این دولت هیچ تعهدی نسبت به مقررات بین‌المللی و قراردادهای خود ندارد (باقری دولت‌آبادی، رشیدی‌زاده، پیشین: ۹۱).

با توجه به شرایطی که بر شورای امنیت و حقوق بین‌الملل حاکم بود و با فرض اینکه ایران جنگ را پایان می‌داد و متجاوز را تعقیب و وارد خاک عراق نمی‌شد، این پرسش مطرح بود که ایران بر اساس چه مبنا و اهرمی می‌توانست عراق را مجبور کند تا حقوق او را بدهد و در مقابل او تمکین کند، آیا غیر از امتیازگیری از عراق، مانند پیشروی در قسمتی از خاک آن، راه حل دیگری وجود داشت. به هر حال ایران کشوری بود که مورد تجاوز و حمله نظامی قرار گرفته بود و علاوه بر ویرانی شهرها و از دست دادن حجم وسیعی از نیروی انسانی، میلیاردها دلار خسارت اقتصادی دیده بود و از همه مهمتر بخشی از خاکش هنوز در اشغال نیروهای متجاوز عراقی بود (حضرتی، قیصریان، پیشین: ۱۱۰). بنابراین ایران چاره‌ای جز ادامه دفاع مشروع و تعقیب متجاوز برای

تضعیف بنیه نظامی و پیشگیری از تکرار تجاوز، همچنین پیگیری اجرای اقدامات فصل هفتم منشور، محاکمه عاملان تجاوز و پرداخت غرامت مناسب و کافی را نداشت. کما اینکه از همان ابتدا همکاری خود را برای پایان مخاصمه، مشروط به محکومیت تجاوز عراق کرد. این درخواست ایران بارها تکرار شد که رژیم بعث عراق باید مسئول جنگ شناخته و مجازات شود (زمانی، ۱۳۷۶: ۲۲). نهایتاً بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ در ۲۹ تیر ماه ۱۳۶۶ (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷)، و با استناد به مواد ۳۹ و ۴۰ منشور، نقض صلح صورت گرفته از جانب عراق مورد شناسایی قرار گرفت و با توجه به پذیرش حداقلی شرایط ایران، جنگ به پایان رسید.

نتیجه‌گیری

بر اساس حقوق بین‌الملل تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی و به هر روشی که منافی با اهداف ملل متحد باشد، غیرمجاز است و تنها در دو صورت امکان کسب مشروعیت خواهد یافت؛ دفاع مشروع و اقدامات اجرایی شورای امنیت. هنگامی که ایران با تجاوز مسلحانه رژیم بعث عراق رو به رو شد، بر اساس حق ذاتی دفاع مشروع برگرفته از ماده ۵۱ منشور ملل متحد، اقدام به دفاع از خود نمود. در این بین تلاش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نیز در جهت آتش‌بس صورت می‌گرفت ولی با توجه به اینکه پذیرش آتش‌بس بدون تعیین و محکومیت متجاوز، احتمال ایجاد شرایط نه جنگ نه صلح و استقرار نیروهای چند ملیتی در مرزهای دو کشور را قوت می‌بخشید، به همین سبب و با توجه به موضع جانبدارانه و بی‌عملی سازمان ملل به خصوص شورای امنیت نسبت به عراق و همچنین عدم ضمانت اجرای بین‌المللی در آن مقطع زمانی، ایران چاره‌ای جز ادامه جنگ تا دستیابی به حقوق خود و ایجاد صلح پایدار نداشت. در ماده ۵۱ تصریح شده است که هیچ یک از مقررات منشور به حق ذاتی دفاع مشروع در صورت وقوع حمله مسلحانه تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را اتخاذ کند لطمه‌ای وارد نمی‌کند. بر اساس این ماده تنها شرط اعمال دفاع مشروع وقوع حمله مسلحانه و عدم ورود شورای امنیت می‌باشد، اما رویه و عرف بین‌المللی دفاع مشروع را متضمن دو شرط ضرورت و تناسب نیز می‌داند. در واقع همین شرایط دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل جدید است که آن را از مفهوم سنتی جنگ عادلانه متمایز می‌کند. ابهام اصلی در خصوص اعمال حق دفاع مشروع در شرط تناسب می‌باشد؛ یعنی نیروی مورد استفاده، به عنوان یک کل، نباید نسبت به نیاز برای دفع حمله یا به پایان رساندن آن

حمله، تجاوز کند. اگر چه در زمینه الزام تناسب بین حمله و دفاع و اینکه اگر این تناسب رعایت نشود، تجاوز تحقق می‌یابد، اتفاق نظر وجود دارد لیکن در میزان زیادتی که مصداق تجاوز از حدود دفاع است اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. برای دولت‌ها هدف دفاع مشروع، یعنی توقف یا دفع حمله، مشخصه اصلی معیار تناسب محسوب می‌شود. در کنار معیار اصلی توقف حمله، معیارهای فرعی نیز برشمرده شد که بنا بر رویه دولت‌ها برای توسل به دفاع مشروع، مورد استناد قرار گرفته است. نیروی مورد استفاده در اعمال حق دفاع مشروع باید از نظر محدوده جغرافیایی، محدوده زمانی و انتخاب هدف و تأثیر بر غیرنظامیان، متناسب باشد. هدف این است که اطمینان حاصل شود که معیار توقف حمله که مشخصه تناسب است، برآورده شده باشد. هدف اصلی جمهوری اسلامی ایران در جنگ با رژیم بعث عراق دفع و توقف حمله بود، به این دلیل ایران پس از بازپس‌گیری خرمشهر همچنان به جنگ ادامه داد، چرا که بخشی از سرزمین‌های ایران همچنان در دست عراق بود و عراق هم معاهده ۱۹۷۵ را نپذیرفته بود، همچنین مبنایی برای خاتمه جنگ وجود نداشت و قطعنامه‌ای هم از سوی سازمان ملل منتشر نشده بود که بر اساس آن بشود جنگ را خاتمه داد، بنابراین مسیر طبیعی این بود که جنگ ادامه پیدا کند. ایران تا زمانی که از جانب عراق احساس رفع خطر نمود و اطمینان لازم نسبت به رسیدگی موضوع در سازمان ملل برای مشخص شدن شروع کننده جنگ را پیدا نکرد حاضر به قبول آتش‌بس نشد. بر همین اساس ایران با سه هدف بیرون راندن متجاوز از خاک خود و تضمین بازگشت به اراضی قبلی و کاهش دادن خطر یک تجاوز جدید، عراق را تا عمق خاک خود یعنی فاو تعقیب نمود. همچنان که بیان شد هدف اصلی ایران توقف حمله بود و در اعمال دفاع مشروع خود شروط فرعی تناسب را نیز مراعات نمود، بدین‌سان که در خصوص معیار محدوده زمانی، دقیقاً در زمان حمله رژیم بعث عراق و زمانی که بخش‌هایی از ایران در اشغال عراق بود اقدام به تصرف فاو نمود. در مورد معیار محدوده جغرافیایی نیز ایران اقدام به تصرف یکی از مناطق درگیر در جنگ نمود و در مورد معیار انتخاب هدف، تمامی اهداف، نظامی بوده و غیرنظامیان مورد تعرض قرار نگرفتند. فلذا می‌توان گفت طبق تفسیر مقبول ماده ۵۱ منشور ملل متحد، همچنین عرف و رویه بین‌المللی اقدام ایران در پیشروی در خاک عراق، دارای مشروعیت بوده است.

منابع

- ابراهیمی، سیدنصرالله (۱۳۸۴). تجاوز و دفاع در حقوق بین‌الملل، حکومت اسلامی، ۸(۳)، ۹۰-۱۲۳.
- باقری دولت‌آبادی، علی؛ رشیدی‌زاده، بهنام (۱۳۹۳). علل تداوم جنگ ایران و عراق پس از فتح خرمشهر، رهیافت انقلاب اسلامی، ۸(۲۸)، ۸۱-۹۸.
- برجی، یعقوب‌علی (۱۳۸۴). وجوب دفاع مشروع از نگاه فریقین، حکمت و فلسفه اسلامی، ۴(۱۵)، ۲۰-۳.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۷). دوگانگی روش شورای امنیت در جنگ عراق و ایران و رویدادهای مشابه، سیاسی - اقتصادی، ۲۲(۷)، ۲۸-۳۹.
- جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۶۷). اهداف عراق از تجاوز به ایران، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، جلد دوم، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
- حاج‌خدوردی‌خان، مهدی (۱۳۹۰). بررسی وضعیت دشمن پیش از عملیات والفجر ۸، مطالعات جنگ ایران و عراق، ۱۰(۳۹)، ۱۰۲-۸۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ صفوی، سیدیحیی؛ میترائی‌تبار، میثم (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل سیر تحول در نظریه‌های منازعه، سیاست دفاعی، ۲۶(۱۰۱)، ۱۳۳-۱۷۷.
- حضرتی، حسن؛ قیصریان‌فرد، هادی (۱۳۹۹). دلایل تداوم جنگ و ناکامی صلح پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱، مطالعات دفاع مقدس، ۶(۱)، ۸۵-۱۲۲.
- خسروی، علی‌اکبر (۱۳۸۵). دفاع مشروع و محاکم بین‌المللی، نشر فراگفت.
- رمضان‌زاده، علی‌اکبر؛ پاسبان، ابوالفضل (۱۴۰۰). واکاوی خط‌مشی سازمان‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل، مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۲۰(۹۴)، ۱۱۰-۸۳.
- رمضانی‌کریمی، سیدهادی؛ نیکزاد، عباس؛ ایزدی‌فرد، علی‌اکبر (۱۳۹۷). مبانی فقهی و حقوقی دفاع مشروع در خارج از مرزها، راهبرد دفاعی، ۱۶(۳)، ۳۳-۶۳.
- روحی، نبی‌اله (۱۳۷۶). گاه‌شمار دفاع مقدس، سیاست دفاعی، ۷(۱۹)، ۱-۱۵.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۷۴). توجیه کاربرد غیرقانونی زور در قالب دفاع مشروع، سیاست دفاعی، ۶(۱۲)، ۷۰-۷۸.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۷۶). تأملی بر مواضع شورای امنیت در برابر تجاوز عراق به ایران و کویت، سیاست دفاعی T (۲۰-۲۱)، ۱۶۵-۱۹۴.
- ساعتی، نادر (۱۳۸۳). بازپژوهی جنگ تحمیلی و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در پرتو موازین حقوق بین‌الملل. سیاست دفاعی، ۱۲(۴۷)، ۴۵-۷۴.

- شریفی طرازکوهی، حسین؛ بارین چهاربخش، ویکتور (۱۳۹۲). دفاع مشروع بازدارنده در قرن بیست و یکم، پژوهش حقوق عمومی، ۱۵ (۴۰)، ۳۶-۹.
- شریفی طرازکوهی، حسین؛ مهرانی، فرزاد (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی شرایط حق دفاع مشروع با تأکید بر اقدامات مسلحانه دولت‌ها علیه حملات گروه‌های تروریستی بین‌المللی، دانش و پژوهش حقوقی، ۱ (۱)، ۶۷-۹۳.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۳). مواضع و واکنش سازمان ملل متحد در دو جنگ ایران و عراق و آمریکا و کویت، نگین ایران، ۳ (۹)، ۶۸-۸۷.
- صادقی، سیدحسین (۱۳۸۶). تعمقی در ماده ۵۱ منشور ملل متحد. دادرسی، ۱۱ (۶۲)، ۱۱۷-۱۲۲.
- صلاحی، سهراب (۱۳۹۱). بازخوانی دلایل اشغال عراق از منظر حق توسل به زور و بررسی آثار آن در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق، ۴۲ (۴)، ۱۵۷-۱۷۶.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱). حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات گنج دانش.
- علایی، حسین (۱۳۸۴). عوامل و ملاحظات اساسی در فتح فاو، نگین ایران، ۴ (۱۵)، ۱۳۴-۱۴۴.
- علایی، حسین (۱۴۰۱). بررسی و ارزیابی راهبردهای رژیم بعث عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دفاع مقدس، شماره ۳۱ (۳)، ۱۸۵-۲۰۸.
- قاسمی، علی؛ بارین چهاربخش، ویکتور (۱۳۹۰). رویه قضایی دیوان بین‌الملل دادگستری در خصوص دفاع مشروع پس از رویداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، حقوقی بین‌المللی، ۲۸ (۴۵)، ۱۷۵-۱۹۴.
- کیخانی‌راد، هادی؛ محقق، حسن؛ بزی، بهروز (۱۳۹۸). نقش متغیرهای جغرافیایی ایران و عراق در جنگ تحمیلی. مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، ۲ (۳)، ۸۹-۱۱۸.
- محمدعلیپور، فریده؛ ممتاز، جمشید (۱۳۸۱). دفاع مشروع، مجلس و راهبرد، ۹ (۳۵)، ۲۰۹-۲۳۰.
- مختاری، مجید (۱۳۸۱). نقش توان رزم در انتخاب منطقه عملیاتی فاو، نگین ایران، ۱ (۳)، ۱۳۵-۱۲۱.
- مرادپیری، هادی؛ غلامپور، احمد (۱۴۰۳). راهبردهای عملیاتی ارتش بعث عراق در تجاوز به جمهوری اسلامی ایران، مطالعات دفاع مقدس، ۱۰ (۱)، ۲۹-۵۸.
- موسوی، سیدفضل‌الله؛ حاتمی، مهدی (۱۳۸۵). دفاع مشروع پیشدستانه در حقوق بین‌الملل، حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۷۲، ۳۰۳-۳۲۴.
- نامدار، سعید؛ قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۷). بررسی مفهوم دفاع مشروع در پرتو حملات سایبری (با تأکید بر حمله استاکس‌نت به تأسیسات هسته‌ای ایران)، مطالعات حقوقی، ۱۰ (۱)، ۱۹۹-۲۳۵.
- نوریان، مهدی؛ حضرتی، امیرمحمد؛ نجم‌آبادی، زهرالسادات (۱۴۰۲). قطعنامه ۵۹۸ از منظر فقه سیاسی منطبق بر رویکردهای سیاسی امام خمینی، مطالعات دفاع مقدس، ۹ (۳)، ۱۳۱-۱۵۶.

ولایتی، علی اکبر(۱۳۶۶). تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق به ایران و موضع گیری سازمان ملل متحد، انتشارات مرکز مطالعات عالی بین المللی.

- Alder, Murray. C (2011). The Origin in International Law of the Inherent Right of Self-Defence and Anticipatory Self-Defence, The Western Australian Jurist, Vol 2. 107-127.
- Arend, Anthony. C (2003). International Law and the preemptive Use of Military Force. The Washington Quarterly 26(2). 89-103.
- Cassese, Antonil(2005). International Law. Oxford University Press.
- Cook, Alethia.H ; Roshandel, Jalil(2009). The United States and Iran: Policy Challenges and Opportunities, Palgrave Macmillan publisher. 1st Edition.
- Etezazian, Sina(2016). The nature of the self-defence proportionality requirement, Journal on the Use of Force and International Law 3(2). 260-289.
- Gardam, Judith(2004). Necessity, Proportionality and the Use of Force by States. Cambridge University Press. 1st Edition.
- Gazzini, Tarcisio; Tsagourias, Nicholas(2012). The Use of Force in International Law, Ashgate Publishing. 1st Edition.
- Gray, Christine(2008). International Law and the Use of Force. Oxford University Press. 1st Edition.
- Green, James A(2009). The International Court of Justice and Self-Defence in International Law, Hart Publishing. 1st Edition.
- Greenwood, Christopher(1989). Self-Defence and the Conduct of International Armed Conflict, in International Law at a Time of Perplexity by Yoram Dinstein (ed). Martinus Nijhoff Publishers(Brill). 1st Edition.
- Higgins, Rosalyn(1961). The Legal Limits to the Use of Force by Sovereign States: United Nations Practice, British Yearbook of International Law, Vol 37.
- ICJ Report(1996). Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons.
- ICJ Reports (1949). Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations.
- ICJ Reports(1986). Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America).
- ICJ Reports(2003). Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America).
- ICJ Reports(2004). Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory.
- ICJ Reports(2005). Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda).
- Mellow, David(2006). Counterfactuals and the Proportionality Criterion. Ethics and International Affairs 20 (4):439-454.

- Murray, Williamson; Woods, Kevin M(2014). The Iran-Iraq War: A Military and Strategic History, Cambridge University Press. 1st Edition.
- Newton, Michael; May, Larry(2014). Proportionality in International Law. Oxford University Press. 1st Edition.
- O'Connell, D.P(1975). The Influence of Law on Sea Power. Manchester University Press.
- Okimoto, Keiichiro (2011). The Distinction and Relationship between Jus ad Bellum and Jus in Bello, Hart Publishing. 1st Edition.
- Razoux, Pierre(2015). Iran-Iraq War.translated by Nichoas Elliot, The Belknap Press of Harvard University Press. 1st Edition.
- Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001).
- Ruys, Tom(2010). Armed Attack and Article 51 of the UN Charter, Cambridge University Press. 1st Edition.
- Samuel, Anni Tracy(2021). The Unfinished History of the Iran-Iraq War: Faith, Firepower, and Iran's Revolutionary Guards, Cambridge University Press. 1st Edition.
- Sayapin, Sergey. Tsyblenko, Evhen(2018). The Use of Force against Ukraine and International Law, Asser Press. 1st Edition.
- Shah, Niaz. A(2007). Self-Defence, Anticipatory Self-Defence and Pre-Emption: International Law's Response to Terrorism. Journal of Conflict & Security Law 12(1). 95-126.
- Westra, Joel H(2007). International Law and the Use of Armed Force: The UN Charter and the major powers. Routledge Publication. 1st Edition.
- Wilmshurst, Elizabeth (2006). The Chatham House Principles of International Law on the Use of Force in Self-Defense. International & Comparative Law Quarterly 55(4). 963-972.
- Yearbook of the United Nations (1993).